

ارائه شاخص ترکیبی ارزیابی بانکداری اسلامی: مطالعه موردی بانک‌های ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۰۵

نادر حکیمی پور*

چکیده

بعد از انقلاب اسلامی تحقق بانکداری اسلامی در سیستم بانکی کشور یکی از موضوعات مهم در حوزه بانکی کشور بوده است. اهداف بانکداری اسلامی را می‌توان به دو بخش یکی رعایت موازین فقهی اسلام و دیگری دستیابی به اهداف نظام اقتصاد اسلامی تقسیم‌بندی کرد. هدف این تحقیق اولاً، طراحی شاخص‌های بانکداری اسلامی؛ ثانیاً، بررسی میزان تحقق آنها در نظام بانکی ایران است. این پژوهش که یک مطالعه کاربردی و پیمایشی است، به منظور ارائه چارچوبی برای وزن‌دهی و رتبه‌بندی مصادیق بانکداری اسلامی در نظام بانکی کشور انجام شده است و از طریق طراحی دو نوع پرسشنامه و استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی به دنبال پاسخ به میزان تحقق بانکداری اسلامی در نظام بانکی کشور بوده است. پرسشنامه اول که از نوع مقایسات زوجی است، جهت وزن‌دهی معیارهای بانکداری اسلامی، در بین نخبگان، پژوهشگران و فعالان عرصه بانکداری کشور توزیع شده است و پرسشنامه دوم نیز جهت بررسی عملکرد بانک‌های دولتی، نیمه‌دولتی و خصوصی از منظر شاخص‌های بانکداری اسلامی، در بین مدیران و کارکنان بانک‌هایی که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی، انتخاب شده‌اند، توزیع شده است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که بانک‌های دولتی، نیمه‌دولتی و خصوصی به لحاظ اجرای شاخص‌های بانکداری اسلامی به ترتیب در رتبه اول تا سوم قرار دارند. در مجموع بر اساس نتایج به‌دست آمده، عملکرد نظام بانکی کشور در اجرای بانکداری اسلامی چندان مناسب و قابل قبول نبوده که در این مقاله راهکارهایی برای بهبود آن نیز ارائه شده است.

واژگان کلیدی: شاخص‌های بانکداری اسلامی، سیستم بانکی، شریعت، فقه اقتصادی اسلام.

طبقه‌بندی JEL: E40, E43, E58, E59.

مقدمه

بانکداری اسلامی نوعی فعالیت بانکی مطابق با احکام فقهی اسلام است. تجهیز و تخصیص منابع و خدمات بانکی در این نوع بانکداری در چارچوب اصول و ضوابط عمومی و اختصاصی حاکم بر معاملات تعریف می‌شود و در صدد است به عنوان بخشی از نظام اقتصاد اسلامی، در راستای اهداف آن نظام برای تحقق توزیع بهینه درآمد، رشد، پیشرفت، خوداتکایی و استقلال حرکت کند. مسئله مهمی که انجام این کار پژوهشی را ضروری می‌سازد، این است که معیارهای بانکداری اسلامی چیست و این معیارها تا چه اندازه در مورد بانک‌های کشور تحقق یافته و عملکرد نظام بانکی در این زمینه چگونه است.

در این پژوهش ابتدا با مرور پیشینه تحقیق، معیارها و شاخص‌های بانکداری اسلامی معرفی، سپس با استفاده از روش پرسشنامه‌ای و مدل سلسله‌مراتبی، با وزن‌دهی به معیارها برای هر یک از بانک‌ها، وضعیت بانک‌های کشور به تفکیک دولتی، نیمه‌دولتی و خصوصی به لحاظ تطبیق عملکرد در زمینه بانکداری اسلامی، بررسی خواهد شد. در پایان نیز به موانع اجرای بانکداری اسلامی و راهکارهای بهبود شاخص‌های مربوط اشاره می‌شود.

پیشینه پژوهش

در بررسی مزیت‌های نظام بانکداری اسلامی و تأمین مالی اسلامی و همچنین ارزیابی آن، از زمان پیدایش این نوع بانکداری، مطالعات گوناگونی انجام شده است مانند: عمر الزگل (Omar Alzghoul, 2015) در تحقیقی تحت عنوان «تحلیل عملکرد بانک‌های متعارف در مقابل بانک‌های اسلامی» به بررسی مقایسه‌ای عملکرد بانک‌های اسلامی و متعارف در اردن پرداخته که برای این منظور یک نمونه دوتایی از بانک‌های اسلامی و سه بانک متعارف را برای تحلیل عملکردشان در یک دوره زمانی هفت ساله بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ انتخاب کرده است. یافته‌های تحقیق نشان داده که عملکرد بانک‌های اسلامی در کارایی مدیریت، مدیریت نقدینگی و بازده دارایی از بانک‌های

متعارف بهتر است؛ درحالی که در بانک‌های متعارف کفایت سرمایه، کیفیت دارایی و بازده سرمایه بهتری مشاهده می‌شود.

آنتونیو و همکاران (Antunio & et al, 2012) در مقاله خود، تحت عنوان «تحلیلی بر عملکرد بانکداری اسلامی»، شاخص‌های مقاصد شریعت را برای ارزیابی عملکرد بانکداری اسلامی پیشنهاد کرده‌اند و بر اساس آن به مقایسه بانکداری اسلامی در دو کشور اندونزی و اردن پرداخته‌اند. شاخص‌های پیشنهادی شامل شاخص‌های آموزش، عدالت و منافع عمومی است که هر یک از این شاخص‌ها، مشتمل بر مجموعه‌ای از نسبت‌ها بوده است. اندازه‌های به‌دست‌آمده برای این شاخص‌ها، نشان داده که عملکرد بانکداری اسلامی در کشور اندونزی به‌طور نسبی بهتر از کشور اردن بوده است.

ترک اریس (Turk ariss, 2010) در مقاله‌ای تحت عنوان «شرایط رقابتی در بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف»، رقابت در بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف را بررسی و تفاوت در سودآوری این بانک‌ها را در سیزده کشور طی دوره ۲۰۰۰-۲۰۰۶ میلادی، تحلیل کرده است. نتایج این مطالعه نشان داد که بانک‌های اسلامی در مقایسه با بانک‌های متعارف، سهم بیشتری از دارایی‌های خود را به فعالیت‌هایی که مشکل مالی دارند، اختصاص داده‌اند؛ همچنین رقابت در بانک‌های اسلامی در مقایسه با بانک‌های متعارف کمتر است.

در مطالعات داخلی نیز یادی‌پور (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای با موضوع «الگوی ارزیابی کفایت سرمایه در بانکداری اسلامی»، ضمن بررسی مقررات طرح‌شده از سوی کمیته بازل (Bazel)، معتقد است ضرایب ریسک در قراردادهای اسلامی با آنچه کمیته بازل بیان کرده، متفاوت بوده و از آنجا که بانکداری اسلامی نظامی است نوین با کارکردها و اهداف خاص خود، نیازمند کفایت سرمایه و ضرایب ریسکی متناظر با ماهیت بانکداری اسلامی است.

محقق (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان «درآمدی بر تدوین شاخص ربا در بانکداری اسلامی»، با طرح کردن این فرضیه که یکی از راه‌های اندازه‌گیری وجود ربا در نظام بانکی توجه به حیل‌های ربوی در قراردادهای بانکی است، با طراحی جدولی که نشان‌دهنده درجه انحراف قراردادهای بانکی از حیث ربوی بودن می‌باشد و همچنین با پیشنهاد دو نسبت

ارزش قراردادهای ربوی و نسبت سود حاصل از ربا، رهیافتی نو را برای تدوین شاخص ربا در بانکداری اسلامی ارائه کرده است.

موسویان (۱۳۹۲) در کتاب خود تحت عنوان شاخص‌های ارزیابی بانکداری اسلامی، با شناسایی و طراحی شاخص‌های مناسب، ابزار لازم برای سنجش میزان تطابق نظام بانکی با اصول و موازین اسلامی را ارائه کرده و با تبیین و استخراج اصول و معیارهای قابل شاخص‌گذاری از متون دینی و سیاست‌های کلی در بانکداری اسلامی، این اصول و معیارها را به سه گروه تقسیم نموده و تحلیل‌هایی ارائه کرده است. در این کتاب عنوان شده که با توجه به ماهیت نظام اقتصاد اسلامی و بانکداری اسلامی، بایستی سه محور اصل احراز ارزش افزوده، اصل توزیع متوازن منابع و اصل ایجاد اشتغال در توزیع منابع رعایت شود. هریک از این محورها به اختصار شرح داده شده است. معرفی شاخص‌های بانکداری اسلامی از موضوعات دیگر این کتاب است. در این رابطه، شاخص‌های رشد اقتصادی، شاخص‌های تقویت سرمایه اجتماعی، شاخص‌های ممنوعیت ربا، شاخص‌های ممنوعیت غرر و شاخص‌های صوری‌شدن معاملات، شاخص‌های مهمی بوده‌اند که تعریف شده‌اند. پس از معرفی شاخص‌های مذکور، مبحث شاخص‌های ثبات در بانکداری اسلامی بیان و در نهایت نتایج اصلی حاصل از پژوهش ارائه شده است.

موسویان و ابراهیمی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «شاخص‌های ارزیابی بانکداری اسلامی»، با بررسی متون دینی به‌ویژه قرآن و سنت، ابتدا اصول و معیارهای ناظر به مباحث بانکداری اسلامی را استخراج و سپس با تحلیل آنها، شاخص‌های کمی جهت سنجش انطباق عملکرد نظام بانکی ایران با اصول و موازین شرعی را معرفی کرده‌اند. در این مطالعه بر معیارهای عدالت اقتصادی و رشد اقتصادی تمرکز و با تبیین و تحلیل این معیارها، شاخص‌های مناسبی برای ارزیابی ارائه شده است و با شاخص‌هایی از قبیل نسبت سود سپرده‌ها و تسهیلات به نرخ سود بازار، نسبت متوسط سود سپرده‌ها و تسهیلات به تورم، نسبت سرمایه‌گذاری از طریق اعتبارات بانکی در بخش‌های اقتصادی به تولید سالیانه، میزان همسویی بانکداری ایران با معیارهای عدالت و رشد اقتصادی ارزیابی شده است.

نورانی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله خود به طراحی یک شاخص ترکیبی پرداخته‌اند. در این مقاله، ابتدا شاخه‌های بانکداری اسلامی در دو گروه شاخه‌های شرعی و شاخه‌های اقتصادی، تعیین و با بررسی هر یک از شاخه‌ها، ۴۸ نماگر معرفی شده است؛ سپس با استفاده از روش دلفی دو مرحله‌ای، وزن هر یک از نماگرها مشخص شد؛ نتایج بیانگر این بوده که به ترتیب شاخه‌های حذف ربا با وزن ۰/۱۲۷، عدالت اقتصادی با وزن ۰/۱۱۵ و رعایت اخلاق اسلامی با وزن ۰/۱۰۸ از بیشترین اهمیت برخوردار بوده‌اند. در نهایت نیز با استفاده از میانگین وزنی شاخه‌های بانکداری اسلامی، یک شاخص ترکیبی بانکداری اسلامی طراحی شده است.

اکثر مقالاتی که نگاشته شده‌اند، به معرفی شاخص‌های بانکداری اسلامی و ضریب اهمیت آنها پرداخته‌اند و کمتر عملکرد بانک‌ها بر اساس شاخص‌ها، به صورت کمی اندازه‌گیری شده است. در این مقاله تلاش بر این است با ارائه شاخصی ترکیبی، عملکرد و میزان همسویی بانک‌های کشور با ماهیت بانکداری اسلامی به تفکیک سه گروه بانک‌های دولتی، نیمه‌دولتی و خصوصی، سنجیده و در پایان راهکارهای بهبود شاخص‌های بانکداری اسلامی ارائه شود. نوآوری این مقاله را می‌توان در نحوه استخراج و وزن‌دهی معیارها و شاخص‌های بانکداری اسلامی که به شکل پیمایشی و بر اساس نظر خبرگان و کارشناسان حوزه بانکی انجام شده و ارائه مدل سلسله‌مراتبی برای امتیازدهی شاخص‌ها، دانست.

معیارهای بانکداری اسلامی

اصل انطباق فعالیت‌های نظام بانکی با آموزه‌های اقتصاد اسلامی اعم از اهداف نظام اقتصاد اسلامی و فقه اقتصادی از اصول بنیادین نظام بانکی و تأمین مالی اسلامی است و شاید مهم‌ترین دغدغه و انگیزه تغییر نظام بانکی کشور به بانکداری بدون ربا نیز همین نکته باشد. عملکرد نظام بانکی در سه دهه اخیر ابهامات و کاستی‌هایی را در اسلامی‌بودن نظام بانکی نشان می‌دهد؛ بر همین اساس معرفی شاخص‌های کمی و معین، جهت نظارت بر امر انطباق فعالیت‌های نظام بانکی با اصول و موازین اسلامی امری بسیار ضروری است.

اصول و معیارهای ارزیابی بانکداری اسلامی را می‌توان در یک تقسیم‌بندی کلی به دو گروه تقسیم کرد: الف) معیارهای منطبق با اهداف نظام اقتصاد اسلامی که بر مبنای اهداف کلان جامعه و در چارچوب یک الگوی پیشرفت می‌باشند. ب) معیارهای منطبق با فقه اقتصاد اسلامی که برگرفته از منابع و متون دینی در زمینه بانکداری اسلامی است. با توجه به گستردگی معیارها و ضرورت بررسی دقیق آنان امکان اینکه کلیه مباحث لازم در این زمینه به‌طور عمیق و ریشه‌ای بیان شود، وجود ندارد؛ لذا در این مطالعه در قالب این دو گروه تقسیم‌بندی و با توجه به نظر خبرگان و اساتید حوزه بانکداری اسلامی، بر بخشی از معیارهای موجود در این زمینه به شرح ذیل تمرکز شده است.

الف) معیارهای منطبق با اهداف نظام اقتصاد اسلامی

در رابطه با این معیارها، شاخص‌های گوناگونی مطرح هستند که در این تحقیق به برخی از آنها با توجه به اهمیتی که در اقتصاد کلان و در سند چشم‌انداز توسعه دارند، می‌پردازیم:

۱. **عدالت اقتصادی:** هدف اقتصاد اسلامی تأمین شرایط مناسب زیست اجتماعی برای رسیدن به کمال انسانی و عبودیت است؛ اما این شرایط زمانی تحقق می‌یابد که عدالت در تمام مراحل تولید، توزیع و مصرف در نظر گرفته شود؛ بر این اساس خداوند با روش‌هایی همچون خمس، زکات و انفال از انباشت ثروت و منابع تولید در دست یک گروه جلوگیری می‌کند (حشر: ۷ و آیات سوره انفال). به بیان شهید مطهری، مدینه فاضله اسلامی، مدینه ضد تبعیض است و نه ضد تفاوت. جامعه اسلامی، جامعه تساوی‌ها و برابری‌ها و برادری‌هاست؛ اما نه تساوی منفی؛ بلکه تساوی مثبت. تساوی منفی یعنی به حساب‌نیآوردن امتیازات طبیعی افراد و سلب امتیازات اکتسابی آنها برای برابری. تساوی مثبت، یعنی ایجاد امکانات مساوی برای عموم و تعلق مکتسبات هر فرد به خودش و سلب امتیازات موهوم و ظالمانه (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۶۹).

۲. **رشد اقتصادی:** از اهداف دیگر نظام اقتصاد اسلامی رشد اقتصادی است که به بیان ساده عبارت است از افزایش تولید ناخالص ملی در یک دوره یا یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در دوره یا سال قبل از آنکه نوعاً منجر به افزایش رفاه عمومی می‌شود. از نظر

آموزه‌های اسلامی، اقتصاد و تکثیر تولید قوام جامعه و ستون اصلی آن است، به طوری که فروپاشی آن موجب گسست اجتماعی می‌شود (نساء: ۵).

۳. استقلال اقتصادی: استقلال اقتصادی یکی دیگر از اهداف نظام اقتصاد اسلامی است. هدف اسلام این است که امت اسلامی در همه ابعاد زندگی از بیگانگان مستقل باشد. در این میان استقلال اقتصادی از اهمیت خاصی برخوردار است و به تعبیر امام خمینی علیه السلام وابستگی اقتصادی منشأ وابستگی‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است؛ بر این اساس اعمال سیاست‌های اقتصادی مناسب جهت ایجاد خودکفایی در کالاهای اساسی و همیاری مردم در قطع وابستگی و بستن راه‌های نفوذ کفار از مهم‌ترین اهداف و مسئولیت‌های امت اسلامی است. به همین جهت اصول دوم و نهم قانون اساسی، بر استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی تأکید دارند و در بند پنجم از اصل سوم نیز بر طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب تأکید شده است. شبکه عظیم سیستم بانکی می‌تواند با تأمین منابع مالی مورد نیاز طرح‌های اقتصادی مؤثر و نقش‌آفرین در بهبود تراز پرداخت‌های خارجی، خودکفایی و استقلال اقتصادی را به ارمغان آورد.

۴. مسئولیت اجتماعی: در اسلام مسئولیت‌پذیری انسان اهمیت خاصی دارد و یک تکلیف است. در این زمینه نیز آیات و روایات متعددی وجود دارد؛ به عنوان نمونه می‌توان به آیات ۸۳، ۱۷۸ و ۲۱۹ سوره بقره، آیه ۷۲ سوره احزاب و آیه ۲۶ سوره اسراء اشاره کرد. در این زمینه نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث ۳۸۶ کتاب نهج الفصاحه می‌فرماید: «بهترین کارها آن است که برادر مؤمن خویش را خوشحال کنی یا قرض او را پردازی». آنچه که از مسئولیت‌پذیری حاصل می‌شود، سرمایه اجتماعی است. تقویت سرمایه اجتماعی در همه عرصه‌های نظام اقتصادی از جمله نظام بانکی باید در جریان باشد. در این باره می‌توان به ارتباط میان تأمین مالی اسلامی و سرمایه اجتماعی، اشاره کرد که یک ارتباط دوسویه است. همچنان که فرآیند تأمین مالی نقش کلیدی در ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی دارد، انتظار می‌رود سازوکار تأمین مالی در جوامع اسلامی با سرمایه اجتماعی بالاتر نیز با سهولت بیشتری صورت پذیرد. در عملیات بانکی، مشارکت عمومی در تمام عرصه‌های فعالیتی بانک کاربرد دارد؛ برای مثال در بخش تجهیز منابع، ارائه تسهیلات خاص و ویژه برای

طرح‌هایی با رویکرد اجتماعی نظیر احداث سد، راه، اشتغال جوانان و طرح‌های عام‌المنفعه، سبب تقویت مشارکت عمومی و به دنبال آن تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود.

الف-۵. تکریم مشتری: در فرهنگ لغت دهخدا اخلاق عبارت است از: دانش بدخویی و نیک‌خویی و به‌طور ساده و خلاصه، شامل شناخت صحیح از ناصحیح و آنگاه انجام صحیح و ترک ناصحیح است. با توجه به تعاریف ارائه‌شده از اخلاق، می‌توان اخلاق در بانکداری را این‌گونه تعریف کرد: اصول و ارزش‌های اخلاقی نظام بانکداری که به عنوان منشور اخلاقی بانک‌ها از سوی مدیران بانک‌ها ارائه و مقرر می‌شود تا با رعایت این اصول و ارزش‌ها بانک‌ها بتوانند وظایف حرفه‌ای خود را به صورت مطلوبی ارائه کنند. بر این اساس بانک‌ها در انجام وظایف خود در دو حوزه باید اصول و ارزش‌های اخلاقی را رعایت کنند: حفظ کرامت مشتریان و کسب رضایت مشتریان.

ب) معیارهای منطبق با فقه اقتصادی اسلام

۱. حذف ربا: شاید مهم‌ترین تفاوت بین بانکداری اسلامی با بانکداری سنتی، ممنوعیت ربا باشد. حکم تحریم ربا و مستندبودن آن به قرآن و سنت و اجماع و اتفاق مسلمانان به قدری واضح است که جای هیچ بحثی نمی‌ماند؛ به‌طوری‌که بسیاری از فقها تحریم ربا را از ضروریات دین می‌دانند (ابراهیمی، ۱۳۷۷، ص ۱۸-۲۰). در قرآن نیز آیات زیادی در خصوص ربا و زیان‌آوردن آن مطرح شده که از جمله آنان می‌توان به آیات ۲۷۵-۲۸۰ سوره بقره، آیه ۳۹ سوره روم و آیات ۱۳۰-۱۳۱ سوره آل‌عمران اشاره کرد. آنچه در بحث ربا مهم است، شناخت ماهیت آن و ارائه تعریفی کاربردی برای تفکیک معاملات ربوی از غیر آن در حوزه بانکداری است. ربا در لغت به معنی زیادی، افزایش، رشد و نمو و در اصطلاح عبارت است از معامله دو کالای هم‌جنس - که در زمان رسول خدا ﷺ با پیمانانه اندازه‌گیری می‌شدند و یا به‌طور عادی چنین هستند - با زیادی در یکی از آنها یا قرض‌دادن با شرط بازپرداخت اضافی در هر کالایی، در صورتی که پرداخت‌کننده اضافی، کافر حربی یا طرفین معامله، پدر و مادر و یا زن و شوهر نباشند (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۱۳۸). به منظور بررسی عملیات بانکی بر اساس معیار ممنوعیت ربا لازم است عملیات بانکی در بخش

تخصیص منابع مورد توجه قرار گیرد؛ چراکه بانکها مطابق قانون، در سپرده‌های دیداری و پس‌انداز، مالک سپرده‌ها هستند و در سپرده‌های سرمایه‌گذاری و کیل سپرده‌گذاران می‌باشند و هر آنچه را که به عنوان سود از طریق اعطای تسهیلات به دست می‌آورند، بعد از کنارگذاشتن سهم خود - به عنوان مالک یا حق‌الوکاله - مابقی را به صاحبان سپرده سرمایه‌گذاری می‌پردازند؛ پس اگر سود دریافتی بانک‌ها از طریق اعطای تسهیلات، خالی از ربا و شرعی باشد، سهم بانک و سپرده‌گذاران نیز خالی از ربا و شرعی خواهد بود و اگر سود ربوی باشد، همان‌طور که سهم بانک ربوی می‌شود، سود اعطایی به سپرده‌گذاران نیز ربوی خواهد بود (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۲۳-۲۵).

۲. فقدان غرر و جهالت (عدم شفافیت در متن قراردادها): یکی دیگر از معیارهای فقه

اقتصادی اسلام در بخش معاملات، ممنوعیت معاملات غرری است. فقهای اسلام برخی از معاملات و قراردادها را به دلیل وجود غرر، باطل می‌دانند. غرر در لغت از دیدگاه لغویین و برخی فقها، اسم مصدر از غرر یغرر تغیراً و به معنی به‌خطرانداختن است (برنا، ۱۳۷۴، ص ۵) و در اصطلاح عقدی است که وضعیت و شرایط انعقاد آن موجب خطر مالی در معامله است (رفیعی، ۱۳۷۸، ص ۹۰)؛ به عبارت دیگر، معامله‌ای است که نتیجه آن مبهم بوده و شرایط انعقاد آن برای یک یا دو طرف قرارداد زیان غیر متعارف مالی به دنبال داشته و باعث نزاع و کشمکش بین آنها می‌شود.

۳. فقدان «اکل مال به باطل»: یکی از معیارهای فقه معاملات، معیار ممنوعیت «اکل مال

به باطل» است. این ضابطه عمومی افزون بر اینکه یک ضابطه کلی حاکم بر همه قراردادها و روابط مالی اسلامی است، ناظر بر بسیاری از ضوابط عمومی دیگر نیز می‌باشد؛ به عبارت دیگر برخی از ضوابط عمومی خود مصداق این ضابطه هستند. فقهای اسلامی در موارد زیادی از باب اکل مال به باطل، حکم به حرمت و بطلان معامله کرده‌اند، برخی از آنان عبارت‌اند از: مواردی که موضوع معامله مالیت ندارد، مواردی که موضوع معامله منفعت حلال ندارد، مواردی که معامله موجب تضییع حقوق دیگران می‌شود، مواردی که معامله همراه با زیان است، مواردی که معامله همراه با فریب است، موارد فساد و فحشا، موارد لغو

و لهو و مواردی که مال از طریق تضعیف نظام اسلامی به دست می‌آید (اسماعیلی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۸).

۴. رعایت فقه قراردادها: استفاده از قراردادهای متنوع در بانکداری اسلامی همچون مضاربه، مشارکت، سلف و جعاله، مستلزم رعایت احکام فقهی هر کدام است (صدر، ۱۴۲۹ق، ص ۹). تجهیز و تخصیص منابع در بانک‌ها و سایر نهادهای مالی از طریق عقود و قراردادهای حقوقی مختلفی صورت می‌گیرد. تفاوت عقود و قراردادهای حقوقی در تعریف، ماهیت و کارکرد آنان است. انجام تکالیف و ایفای تعهدات از سوی مشتریان نظام بانکی یکی از عوامل اثرگذار بر سلامت، صحت و مشروعیت عملیات بانکی است. یکی از تکالیف مهم مشتری در این زمینه انعقاد و اجرای واقعی قراردادهای بانکی است. بانک نیز اگر برای تجهیز منابع خود، اموال سپرده‌گذاران را به عنوان وکیل، شریک و غیره در اختیار دارد بایستی نسبت به این تکلیف شرعی، حساسیت کافی داشته باشد؛ بنابراین چنانچه برای قرارداد جهت خاصی تعیین شود، بر دریافت‌کننده تسهیلات لازم است که آن را در جهت خود مصرف کند؛ در غیر این صورت قرارداد اشکال خواهد داشت. آرای فقها در این زمینه نیز حاکی از آن است که مشتریان نمی‌توانند تسهیلات دریافتی را در غیر موضوع قرارداد مصرف کنند.

نماگرهای بانکداری اسلامی

برای هر یک از معیارها یا مؤلفه‌های اشاره‌شده در فوق، زیرمعیارها یا نماگرهای بسیاری را می‌توان طرح کرد که در این پژوهش با توجه به گستردگی آنان، از میان نماگرهای متعدد برای هر کدام از مؤلفه‌های بانکداری اسلامی با استفاده از نظر نخبگان و کارشناسان در حوزه بانکداری اسلامی و راهبرد نظریه‌پردازی داده - بنیاد (Grounded Theory) و روش کدگذاری استروس کوربین (Creswell, J.W, 2005)، نوزده نماگر به شرح جدول (۱) استخراج شده است.

جدول ۱. معیارها (مؤلفه‌ها) و زیرمعیارها (نماگرهای) بانکداری اسلامی

مفهوم	ابعاد	مؤلفه‌ها	نماگرها		
بانکداری اسلامی	تحقق اهداف نظام اقتصادی	عدالت توزیعی	تسهیلات اعطایی مصرفی عادلانه نسبت به کل تسهیلات اعطایی		
			مانده تسهیلات غیررانتی نسبت به مانده کل تسهیلات		
			مانده قرض‌الحسنه اعطایی نسبت به مانده مؤثر منابع قرض‌الحسنه		
			سراجه تسهیلات مناطق محروم نسبت به سراجه تسهیلات مناطق برخوردار		
			نرخ کارمزد دریافتی نسبت به نرخ کارمزد واقعی		
			سهم بخش‌های اقتصادی از اعتبارات بانکی نسبت به سهم مطلوب (پیش‌بینی شده در برنامه) اعتبارات آنان		
	رشد اقتصادی	استقلال اقتصادی	میزان اعتبارات بانکی پرداختی به صنایع نوزاد و ابداعات نسبت به کل اعتبارات	سهم مناطق مختلف از اعتبارات بانکی نسبت به سهم مطلوب اعتبارات آنان	
				میزان اعتبارات اعطایی به سرمایه‌گذاران خارجی نسبت به کل اعتبارات اعطایی	
	مسئولیت اجتماعی	تکریم مشتری	نسبت افراد رضایتمند از خدمات بانکی	ارزش تسهیلات تکلیفی تخصیص یافته نسبت به ارزش تسهیلات تکلیفی مصوب	
				ارزش تأمین مالی‌های فاقد هزینه‌های بیرونی یا اجتماعی نسبت به ارزش کل تأمین مالی‌ها	
				میانگین دوره انتظار برای دریافت تسهیلات نسبت به میانگین دوره متعارف انتظار	
	انطباق با فقه اقتصاد اسلامی	فقدان غرر و جهالت	نرخ آگاهی کارکنان و مشتریان بانکی از مفاهیم و مفاد قراردادهای بانکی	تعداد قراردادهای همراه با جهل نسبت به مفاد قرارداد به کل قراردادهای	
				ارزش قراردادهای صوری منتهی به ربا نسبت به ارزش کل قراردادهای	
		حذف ربا	فقدان اکل مال به باطل	ارزش تأمین مالی عاری از فساد نسبت به ارزش کل تأمین مالی‌ها	ارزش تسهیلات به‌کاررفته در زمینه موضوع قرارداد نسبت به کل تسهیلات
					مانده مطالبات غیر معوق نسبت به مانده کل مطالبات

منبع: نتایج تحقیق

همچنان که در جدول فوق مشاهده می‌شود، به ازای هر یک از معیارهای بانکداری اسلامی، یک یا چند زیرمعیار (نماگر) از سوی نخبگان و کارشناسان حوزه بانکداری اسلامی - که در این تحقیق مورد پرسش قرار گرفته‌اند - پیشنهاد شده است. استدلالی که برای هر یک از نماگرهای مرتبط با معیارها می‌توان داشت، به تفکیک هر معیار، به شرح زیر است:

نماگرهای معیار عدالت توزیعی: در مورد این معیار، پنج نماگر زیر پیشنهاد شده است:

- تسهیلات اعطایی مصرفی عادلانه نسبت به کل تسهیلات پرداخت شده: این نماگر به نوعی بیانگر فرصت دسترسی یکسان به تسهیلات بانکی برای همه افراد است.
- مانده تسهیلات غیر رانتهی نسبت به کل تسهیلات: پرداخت تسهیلات رانتهی و بدون رعایت ضوابط، عامل دیگری است که عدالت توزیعی را زیر سؤال می‌برد.
- مانده قرض‌الحسنه اعطایی نسبت به مانده مؤثر منابع قرض‌الحسنه: پرداخت وام قرض‌الحسنه از منابع بانکی به متقاضیان نیازمند، در بانکداری اسلامی مورد توجه است. سهم بالای این نوع وام متناسب با منابع اختصاص یافته برای آن، بیانگر توزیع عادلانه تسهیلات بانکی است.
- سرانه تسهیلات مناطق محروم نسبت به سرانه تسهیلات مناطق برخوردار: این نماگر، سهم مناطق محروم از کل تسهیلات را نشان می‌دهد. معمولاً گرایش طبیعی پرداخت تسهیلات به سمت مناطق برخوردار است. این مسئله سبب می‌شود که عدالت در توزیع تسهیلات به شکل متعادل در بین مناطق محروم و برخوردار زیر سؤال رود.
- نرخ کارمزد دریافتی نسبت به نرخ کارمزد واقعی: نرخ کارمزد بانکی باید متناسب با شرایط اقتصادی و قیمت‌ها باشد و نسبت به تغییر در این شرایط، تعدیل شود؛ بنابراین مبنای تعیین نرخ کارمزد در نظام بانکی باید نرخ کارمزد واقعی باشد.

نماگرهای معیار رشد اقتصادی- در رابطه با این معیار، دو نماگر زیر پیشنهاد شده

است:

- سهم بخش‌های مختلف اقتصادی از اعتبارات بانکی نسبت به سهم مطلوب آنان؛
- سهم مناطق مختلف از اعتبارات بانکی نسبت به سهم مطلوب آنان؛

- تخصیص بهینه منابع اقتصادی و مالی در بین بخش‌های اقتصادی و همچنین در بین مناطق مختلف متناسب با ظرفیت جذب آنان، عامل رشد اقتصادی است. هر قدر سهم بخش‌های اقتصادی و مناطق مختلف از تسهیلات بانکی به سهم مطلوب و برنامه‌ریزی شده نزدیک‌تر باشد، زمینه رشد اقتصادی بالاتر، فراهم خواهد شد.

نماگرهای معیار استقلال اقتصادی - برای این معیار نیز دو نماگر زیر پیشنهاد شده

است:

- میزان اعتبارات پرداختی به صنایع نوزاد داخلی و ابداعات نسبت به کل اعتبارات: حمایت از صنایع نوپا به‌ویژه صنایع تولیدکننده کالاهای جانشین واردات، راهبردی مناسب در جهت استقلال اقتصادی و کاهش وابستگی است؛ از جمله اقداماتی که در این زمینه باید انجام داد، حمایت مالی و پرداخت تسهیلات بیشتر به این نوع صنایع می‌باشد.

- میزان اعتبارات اعطایی به سرمایه‌گذاران خارجی نسبت به کل اعتبارات اعطایی: اقتصادهای توسعه‌نیافته معمولاً به خاطر کمبود سرمایه و ناکافی بودن منابع مالی داخلی، توجه زیادی به سرمایه‌گذاری خارجی دارند. تشویق این نوع سرمایه‌گذاری و هدایت صحیح آن به سمت بخش‌های تولیدی و مولد، عامل بالقوه مهمی هم در جهت توسعه صادرات و هم در جهت کاهش واردات است و به نوعی با نظارت دقیق بر شرایط ورود این نوع سرمایه‌ها و نحوه هزینه‌کرد آنان، می‌توان به ارتقای جایگاه کشور سرمایه‌پذیر در عرصه اقتصاد بین‌الملل و استقلال آن کمک کرد. از جمله سیاست‌های تشویقی برای جذب و هدایت این نوع سرمایه‌گذاری‌ها، اعطای تسهیلات مالی به آنان به‌ویژه برای سرمایه‌گذاری مجدد و گسترش فعالیت‌ها از سوی سرمایه‌گذاران خارجی است.

نماگرهای معیار مسئولیت اجتماعی - در رابطه با این معیار، دو نماگر زیر پیشنهاد شده

است:

- ارزش تسهیلات تکلیفی تخصیص‌یافته نسبت به ارزش تسهیلات تکلیفی مصوب؛

- ارزش تأمین مالی پروژه‌های فاقد هزینه اجتماعی نسبت به ارزش کل تأمین

مالی‌ها.

پروژه‌هایی که منافع عمومی بالا و هزینه اجتماعی کمتری دارند، در افزایش مشارکت عمومی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، نقش مؤثری دارند. معمولاً برای اجرای چنین پروژه‌هایی که نیاز به تسهیلات بانکی دارند، از محل تسهیلات تکلیفی و با شرایط آسان، استفاده می‌شود؛ بنابراین می‌توان انتظار داشت که هر اندازه میزان تسهیلات تخصیص‌یافته به این نوع پروژه‌ها به‌ویژه از محل تسهیلات تکلیفی بیشتر باشد، انگیزه مشارکت عمومی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در جهت ارتقای سرمایه‌های اجتماعی نیز بالاتر خواهد بود.

نماگرهای معیار تکریم مشتری: در رابطه با این معیار، دو نماگر زیر پیشنهاد شده

است:

- نسبت افراد رضایتمند از خدمات بانکی؛
- میانگین دوره انتظار برای دریافت تسهیلات نسبت به میانگین دوره متعارف انتظار.

در خصوص تکریم مشتری، بالابودن رضایتمندی افراد استفاده‌کننده از خدمات بانکی و پایین‌بودن دوره انتظار متقاضیان برای دریافت وام، دو موضوع مهمی هستند که در عملکرد بانک‌ها در خصوص تکریم مشتریان باید مورد توجه قرار گیرند.

نماگرهای معیار فقدان غرر و جهالت: در مورد این معیار، دو نماگر زیر پیشنهاد شده

است:

- میزان آگاهی مشتریان و کارکنان بانکی از مفاهیم و مفاد قراردادهای بانکی؛
 - تعداد قراردادهای همراه با جهل نسبت به مفاد قرارداد به کل قراردادها.
- بالابودن سطح آگاهی مشتریان و کارکنان بانک نسبت به مفاد قراردادها و همچنین پایین‌بودن تعداد قراردادهایی که دارای مفاد مبهم هستند، سبب می‌شود شفافیت قراردادها بیشتر و احتمال غرر و خطر زیان غیر متعارف مالی در معاملات بانکی کمتر شود.

نماگر معیار حذف ربا: در ارتباط با این معیار، یک نماگر به شرح زیر پیشنهاد شده

است:

- ارزش قراردادهای صوری منتهی به ربا نسبت به ارزش کل قراردادها: یکی از روش‌هایی که معمولاً در معاملات بانکی در جهت استفاده ناصحیح از منابع بانکی دنبال

می‌شود، انعقاد قراردادهای صوری است که در نهایت منتهی به ربا می‌شود و این موضوعی است که در فقه اقتصاد اسلامی به آن توجه شده و انجام این‌گونه معاملات را باطل دانسته است. در معاملات بانکی هر اندازه که ارزش این نوع قراردادها بیشتر باشد، میزان ربوی-بودن فعالیت‌های بانکی نیز بیشتر خواهد بود.

نماگر معیار فقدان اکل مال به باطل: در رابطه با این معیار نیز نماگر زیر پیشنهاد شده

است:

- ارزش تأمین مالی عاری از فساد نسبت به ارزش کل تأمین مالی‌ها: پیشگیری از انجام معاملاتی که حرام بوده و یا سبب ایجاد فساد و زیان برای دیگران شده و از طریق نادرست نیز تأمین مالی می‌شوند، موضوعی است که در اعطای تسهیلات بانکی در نظام بانکداری اسلامی باید مورد توجه باشد. هر اندازه که سهم این نوع معاملات در دریافت تسهیلات بانکی بیشتر باشد عملکرد بانک‌ها از نظر رعایت این معیار فقهی، نامطلوب‌تر خواهد بود.

۱۶۵

نماگرهای معیار رعایت فقه قراردادها: در مورد این معیار دو نماگر زیر پیشنهاد شده

است:

- ارزش تسهیلات به‌کاررفته در زمینه موضوع قرارداد نسبت به کل تسهیلات؛
- مانده مطالبات غیر معوق نسبت به مانده کل مطالبات.

این نماگرها ارتباط نزدیکی با شکل و ماهیت عقود شرعی در بانکداری اسلامی دارند. ماهیت این عقود به نحوی است که احتمال استفاده از تسهیلات در قالب آنان در موضوعی خارج از موضوع اصلی قرارداد، بسیار ضعیف است. در رابطه با نماگر دوم نیز همچنان که عنوان شد، ماهیت این عقود طوری است که می‌تواند از وقوع مطالبات معوق در نظام بانکی جلوگیری کند. در نظام بانکداری اسلامی، اساس مشارکت در سود و زیان است و بانک بایستی برای یک فعالیت اقتصادی از طریق مشارکت، از ابتدا تا زمان بهره‌برداری پروژه در آن دخالت، نظارت و تصمیم‌گیری کند و به نوعی در پروژه شریک باشد؛ لذا دلیلی ندارد بخشی از مطالبات به حالت معوق درآید. علاوه بر این، در قراردادهایی نظیر اجاره به شرط تملیک و یا خرید دین، شرایط به گونه‌ای است که مطالبات معوق با سهولت

بیشتری تسویه می‌شوند؛ بنابراین با رعایت اصول فقهی این قراردادها، می‌توان انتظار داشت که حجم معوقات بانکی پایین باشد.

روش تحقیق و جامعه آماری

با توجه به موضوع تحقیق و با در نظر گرفتن مؤلفه‌های تحقیق مانند عدالت اقتصادی، استقلال اقتصادی، فقه اقتصادی، رشد اقتصادی و نوع مالکیت بانک‌ها، روش تحقیق مورد استفاده در پژوهش حاضر، روش توصیفی از نوع پیمایشی است. از ابزار پرسشنامه در دو مرحله استفاده شده است؛ در مرحله اول، جهت شناسایی و اولویت‌بندی مصادیق و معیارهای بانکداری اسلامی در سیستم بانکی کشور، از پرسشنامه مقایسات زوجی موسوم به پرسشنامه خبرگان استفاده شده و در مرحله دوم، به منظور بررسی میزان تحقق بانکداری اسلامی در بانک‌های کشور به تفکیک بانک‌های دولتی، نیمه‌دولتی و خصوصی از پرسشنامه دوم استفاده شد. جامعه آماری مربوط به پرسشنامه اول، خبرگان و اساتید حوزه بانکداری اسلامی، حوزه و پژوهشکده پولی بانکی بودند که از میان آنان به روش نمونه‌گیری غیر احتمالی (نظر کارشناسی)، تعداد ۱۳ نفر انتخاب و به سؤالات پرسشنامه پاسخ دادند. در پرسشنامه دوم نیز جامعه آماری کارکنان و مدیران ارشد و اجرایی بانک‌ها بودند که از میان آنان، به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی تعداد ۳۰۱ نفر انتخاب و مورد پرسش قرار گرفتند. اندازه بهینه نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعیین شده است. مقطع زمانی پاسخگویی به پرسشنامه‌های مرحله اول و دوم توسط خبرگان و اساتید بانکداری اسلامی و همچنین کارکنان و مدیران بانکی، فروردین سال ۱۳۹۶ بوده است.

این پژوهش در چارچوب مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره انجام شده است. در این نوع مدل‌ها از چندین معیار سنجش برای تعیین بهترین راه‌حل ممکن استفاده می‌شود. به‌طورکلی این مدل‌ها به دو گروه عمده مدل‌های تصمیم‌گیری چندهدفه و مدل‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه تقسیم می‌شوند. از مدل‌های دسته اول به منظور طراحی و از مدل‌های دسته دوم جهت انتخاب گزینه برتر و رتبه‌بندی گزینه‌ها استفاده می‌شود. فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) (Analytical Hierarchy Process) یکی از فنون تصمیم‌گیری

با معیارهای چندشاخصه می‌باشد که توسط *توماس ال ساعتی (Thomas, L. Saaty)* ارائه شده است. در این تحقیق نیز از روش مذکور استفاده شده است. با این روش می‌توان ابتدا مسئله را به شکلی ساده تبدیل و سپس حل نمود. از فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی می‌توان در هنگامی که عمل تصمیم‌گیری با چند گزینه رقیب و معیار تصمیم‌گیری روبروست، استفاده کرد. معیارها و شاخص‌های مطرح‌شده می‌توانند کمی یا کیفی باشند. اساس این روش تصمیم‌گیری بر مقایسات زوجی است. تصمیم‌گیرنده با فراهم کردن درخت سلسله‌مراتبی تصمیم شروع می‌کند. درخت سلسله‌مراتب تصمیم، عوامل مورد مقایسه و گزینه‌های رقیب در تصمیم را نشان می‌دهد. سپس یک سری مقایسات زوجی انجام می‌گیرد؛ این مقایسات وزن هر یک از عوامل را در تصمیم نشان می‌دهند و در نهایت این فرآیند، ماتریس‌های حاصل از مقایسات زوجی را به نحوی با یکدیگر تلفیق می‌کند که تصمیم بهینه حاصل شود. در بخش بعد، نحوه استفاده از این فرآیند جهت تعیین وزن‌های نماگرها و معیارهای مورد بررسی در این تحقیق، شرح داده می‌شود.

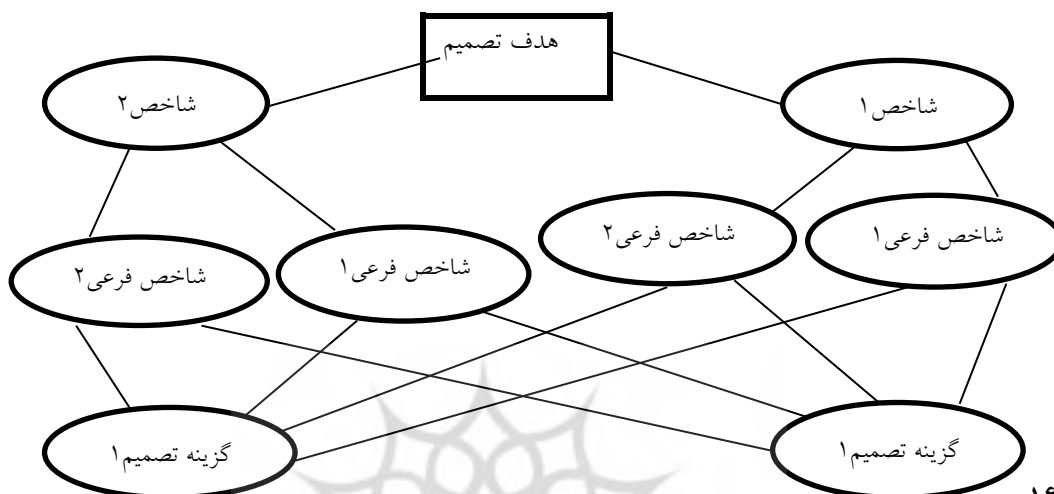
تجزیه و تحلیل پرسشنامه اول

با اخذ نظرات نخبگان و اساتید بانکداری در قالب پرسشنامه اول، وزن هریک از معیارها و زیرمعیارها (مؤلفه‌ها) با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی به دست آمده‌اند. به‌کارگیری این مدل، مستلزم چهار مرحله به شرح زیر است:

الف) مدل‌سازی

در این مرحله، مسئله و هدف تصمیم‌گیری به‌صورت سلسله‌مراتبی از عناصر تصمیم که با هم در ارتباط هستند، تعریف می‌شود. عناصر تصمیم شامل شاخص‌های تصمیم‌گیری و گزینه‌های تصمیم می‌باشد. فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی نیازمند شکستن مسئله تصمیم با چندین شاخص به سلسله‌مراتبی از سطوح است که برای این منظور از درخت تصمیم استفاده می‌شود. سطح اول یا بالا بیانگر هدف اصلی فرآیند تصمیم‌گیری است. سطح دوم نیز نشان‌دهنده شاخص‌های عمده و اصلی است که ممکن است به شاخص‌های فرعی و جزئی‌تر در سطح بعدی شکسته شود و سطح آخر گزینه‌های تصمیم را ارائه می‌کند.

نمودار ۱. نمایش مدل مفهومی تحلیل سلسله‌مراتبی



۱۶۸

ب) قضاوت ترجیحی (مقایسات زوجی)

در این مرحله جهت ارزش‌دهی نهایی به معیارها از روش تطبیقی دو دوئی بهره گرفته می‌شود که در آن دو معیار با یکدیگر مقایسه و بر اساس میزان اهمیت آنها و با توجه به هدف تحلیل، ارزش‌های متفاوتی می‌گیرند. مبنای مقایسه جدول ۹ کمیتی توماس ال ساعتی است (جدول ۲).

جدول ۲. نحوه ارزشیابی مقایسات زوجی مدل سلسله‌مراتبی

ارزش	اولویت‌ها	توضیح
۱	ترجیح یکسان	گزینه یا شاخص الف نسبت به ب اهمیت برابر دارد و یا ارجحیتی نسبت به هم ندارند.
۳	کمی مرجح	گزینه یا شاخص الف نسبت به ب کمی مهم‌تر است.
۵	خیلی مرجح	گزینه یا شاخص الف نسبت به ب مهم‌تر است.
۷	خیلی زیاد مرجح	گزینه الف ارجحیت خیلی بیشتری نسبت به ب دارد.
۹	کاملاً مرجح	گزینه الف از ب مطلقاً مهم‌تر و قابل مقایسه با ب نیست.
۲ و ۴ و ۶ و ۸	ترجیحات بینابین	ترجیحات بینابین

ج) محاسبه وزن‌های نسبی

تعیین وزن عناصر تصمیم نسبت به هم از طریق مجموعه‌ای از محاسبات عددی، مرحله بعدی در فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی است. محاسبات لازم برای تعیین اولویت هر یک از عناصر تصمیم با استفاده از اطلاعات ماتریس‌های مقایسات زوجی انجام می‌گیرد. خلاصه عملیات ریاضی در این مرحله به صورت زیر است.

مجموع اعداد هر ستون از ماتریس مقایسات زوجی محاسبه و سپس هر عنصر یک ستون بر مجموع اعداد آن ستون تقسیم می‌شود. ماتریس جدیدی که بدین صورت به دست می‌آید، ماتریس مقایسات نرمال‌شده نامیده می‌شود. میانگین اعداد هر سطر از ماتریس مقایسات نرمال‌شده محاسبه می‌شود. این میانگین، وزن نسبی عناصر تصمیم را ارائه می‌دهد.

د) ادغام وزن‌های نسبی

در مرحله آخر، به منظور رتبه‌بندی گزینه‌های تصمیم، بایستی ضریب اهمیت هر عنصر را در وزن عناصر بالاتر ضرب کرده تا وزن نهایی آن به دست آید. با انجام این مرحله، برای هر گزینه (معیار) مقدار وزن نهایی بر اساس رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$J \text{ گزینه } = \sum_{K=1}^N \sum_{I=1}^M W_K W_I (g_{ij})$$

$$W_k = \text{ضریب اهمیت معیار } k \text{ و } W_I = \text{ضریب اهمیت زیرمعیار } i$$

$$g_{ij} = \text{امتیاز گزینه } j \text{ ارتباط با زیرمعیار } i$$

در این پژوهش با استفاده از نظر خبرگان و اساتید و دنبال کردن فرآیند فوق، وزن هر یک از زیرمعیارها محاسبه و در نهایت وزن هر معیار از میانگین وزن زیرمعیارهای مربوطه به دست آمده است که نتایج آن نیز در جداول (۳) الی (۱۰) مشاهده می‌شود.

جدول ۳. وزن معیارهای بانکداری اسلامی

وزن‌های نسبی	معیارهای بانکداری اسلامی	ردیف
۰/۱۹۵	حذف ربا	۱
۰/۱۹۲	فقدان اکل مال به باطل	۲
۰/۱۷۶	رعایت فقه قراردادهای	۳
۰/۱۶۴	فقدان غرر و جهالت	۴
۰/۰۶۳	عدالت توزیعی	۵
۰/۰۶۲	رشد اقتصادی	۶
۰/۰۵۱	تکریم مشتری	۷
۰/۰۴۹	مسئولیت اجتماعی	۸
۰/۰۴۵	استقلال اقتصادی	۹

منبع: نتایج تحقیق

جدول ۴. وزن هریک از زیرمعیارها (نماگرهای) عدالت توزیعی

وزن‌های نسبی	زیرمعیارهای عدالت توزیعی	ردیف
۰/۲۵	تسهیلات اعطایی مصرفی به همه اقشار جامعه نسبت به کل تسهیلات اعطایی	۱
۰/۲۳	مانده تسهیلات غیر رانتهی نسبت به مانده کل تسهیلات	۲
۰/۲۵۵	سراجه تسهیلات مناطق محروم نسبت به سراجه تسهیلات مناطق برخوردار	۳
۰/۱۴۴	مانده قرض‌الحسنه اعطایی نسبت به مانده مؤثر منابع قرض‌الحسنه	۴
۰/۱۲	نرخ کارمزد واقعی نسبت به نرخ کارمزد دریافتی	۵

منبع: نتایج تحقیق

جدول ۵. وزن هریک از زیرمعیارها (نماگرهای) رشد اقتصادی

وزن‌های نسبی	زیرمعیارهای رشد اقتصادی	ردیف
۰/۵۸۷	سهم بخش‌های اقتصادی از اعتبارات بانکی نسبت به سهم مطلوب آنان	۱
۰/۴۱۳	سهم مناطق مختلف از اعتبارات بانکی نسبت به سهم مطلوب اعتبارات آنان	۲

منبع: نتایج تحقیق

جدول ۶. وزن هریک از زیرمعیارها (نماگرهای) استقلال اقتصادی

ردیف	زیرمعیارهای استقلال اقتصادی	وزن‌های نسبی
۱	میزان اعتبارات بانکی به صنایع نوزاد و ابداعات نسبت به کل اعتبارات اعطایی	۰/۸۳
۲	میزان اعتبارات اعطایی به سرمایه‌گذاران خارجی نسبت به کل اعتبارات اعطایی	۰/۱۷

منبع: نتایج تحقیق

جدول ۷. وزن هریک از زیرمعیارها (نماگرهای) مسئولیت اجتماعی

ردیف	زیرمعیارهای مسئولیت اجتماعی	وزن‌های نسبی
۱	ارزش تسهیلات تکلیفی تخصیص‌یافته نسبت به ارزش تسهیلات تکلیفی مصوب	۰/۶۷
۲	ارزش تأمین مالی‌های فاقد هزینه بیرونی یا اجتماعی نسبت به ارزش کل تأمین مالی‌ها	۰/۳۳

منبع: نتایج تحقیق

جدول ۸. وزن هریک از زیرمعیارها (نماگرهای) تکریم مشتری

ردیف	زیرمعیارهای تکریم مشتری	وزن‌های نسبی
۱	نسبت افراد دارای رضایت از خدمات بانکی	۰/۵۷
۲	میانگین دوره انتظار تسهیلات نسبت به میانگین دوره متعارف انتظار	۰/۴۳

منبع: نتایج تحقیق

جدول ۹. وزن هریک از زیرمعیارها (نماگرهای) غرر و جهالت

ردیف	زیرمعیارهای فقدان غرر و جهالت	وزن‌های نسبی
۱	نرخ آگاهی کارکنان و مشتریان بانکی از مفاهیم و مفاد قراردادهای بانکی	۰/۵۷
۲	تعداد قراردادهای همراه با جهل نسبت به مفاد قرارداد به کل قراردادها	۰/۴۳

منبع: نتایج تحقیق

جدول ۱۰. وزن هریک از زیرمعیارها (نماگرهای) فقه قراردادهای

ردیف	زیرمعیارهای رعایت فقه قراردادهای	وزن‌های نسبی
۱	ارزش تسهیلات به‌کاررفته در زمینه قرارداد نسبت به کل تسهیلات	۰/۶۶
۲	مانده مطالبات معوق نسبت به مانده کل مطالبات	۰/۳۴

منبع: نتایج تحقیق

همچنان که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، از نظر خبرگان بانکی درمعیارهای بانکداری اسلامی، حذف ربا بیشترین اهمیت را دارد و به دنبال آن، به ترتیب، فقدان اکل مال به باطل، رعایت فقه قراردادهای، فقدان غرر و جهالت، عدالت توزیعی، رشد اقتصادی، تکریم مشتری، مسئولیت اجتماعی و استقلال اقتصادی دارای اهمیت هستند. وزن نسبی نماگرهای مرتبط با هریک از معیارها نیز در جداول (۴) الی (۱۰) مشاهده می‌شود.

تجزیه و تحلیل پرسشنامه دوم

نتایج حاصل از سنجش میزان عملکرد بانک‌های دولتی، نیمه‌دولتی و خصوصی بر اساس شاخص‌های بانکداری اسلامی با استفاده از نظر کارشناسان و مدیران بانکی و محاسبات انجام‌شده در جداول (۱۱) الی (۱۳) نشان داده شده است. میزان تحقق هر کدام یک از معیارها برحسب نماگرها یا زیرمعیارهای مربوط به آنان به تفکیک بانک‌های دولتی، نیمه‌دولتی و خصوصی در جداول مذکور مشاهده می‌شود:

جدول ۱۱. درصد اهمیت بانک‌های دولتی نسبت به هریک از زیرمعیارهای بانکداری اسلامی

وزن نسبی	زیرمعیارهای بانکداری اسلامی	معیارها	نوع بانک
۰/۵۳	تسهیلات اعطایی مصرفی به تمام اقشار جامعه نسبت به کل تسهیلات اعطایی	عدالت توزیعی	دولتی
۰/۴۵	تسهیلات غیر رانتهی اعطایی نسبت به کل تسهیلات اعطایی		
۰/۶۸	سرانه تسهیلات مناطق محروم نسبت به سرانه تسهیلات مناطق برخوردار		
۰/۵۱	تسهیلات قرض‌الحسنه اعطاشده نسبت به مانده مؤثر منابع قرض‌الحسنه		
۰/۳۷	نرخ کارمزد واقعی نسبت به نرخ کارمزد دریافتی		
۰/۴	سهم بخش‌های اقتصادی از اعتبارات بانکی نسبت به سهم مطلوب اعتبارات آنان	رشد اقتصادی	
۰/۵۹	سهم مناطق مختلف از اعتبارات بانکی نسبت به سهم مطلوب اعتبارات آنان	استقلال اقتصادی	
۰/۵۲	میزان اعتبارات بانکی به صنایع نوزاد و ابداعات نسبت به کل اعتبارات اعطایی		

۰/۵۱	میزان اعتبارات اعطایی به سرمایه‌گذاران خارجی نسبت به کل اعتبارات اعطایی	
۰/۶۵	ارزش تسهیلات تکلیفی تخصیص‌یافته نسبت به ارزش تسهیلات تکلیفی مصوب	مسئولیت اجتماعی
۰/۴۷	ارزش تأمین مالی‌های فاقد هزینه‌های بیرونی نسبت به ارزش کل تأمین مالی‌ها	
۰/۵۱	نسبت مشتریان راضی از خدمات بانکی به کل مشتریان	تکریم مشتری
۰/۷	میانگین دوره انتظار تسهیلات نسبت به میانگین دوره متعارف انتظار	
۰/۲۹	ارزش کل قراردادهای تأمین مالی نسبت به ارزش قراردادهای صوری منتهی به ربا	حذف ربا
۰/۴۴	کل قراردادهای بانکی نسبت به قراردادهای همراه با جهل	فقدان غرر و جهالت
۰/۶۸	نرخ آگاهی کارکنان و مشتریان بانکی از متن و مفاد قراردادهای بانکی	
۰/۵۲	ارزش تأمین مالی عاری از فساد نسبت به ارزش کل تأمین مالی‌ها	فقدان اکل مال به باطل
۰/۳۷	ارزش تسهیلات به‌کاررفته در زمینه قرارداد نسبت به کل تسهیلات	رعایت فقه قرارداد
۰/۷۵	مانده مطالبات غیر معوق نسبت به مانده کل مطالبات	

منبع: نتایج تحقیق

جدول ۱۲. درصد اهمیت بانک‌های نیمه‌دولتی نسبت به هر یک از زیرمعیارهای بانکداری اسلامی

وزن نسبی	زیرمعیارهای بانکداری اسلامی	معیارها	نوع بانک
۰/۶۲	تسهیلات اعطایی مصرفی به تمام اقشار جامعه نسبت به کل تسهیلات اعطایی	عدالت توزیعی	نیمه‌دولتی
۰/۵۰	تسهیلات غیر رانتی اعطایی نسبت به کل تسهیلات اعطایی		
۰/۶۲	سرانه تسهیلات به مناطق محروم نسبت به سرانه تسهیلات مناطق برخوردار		
۰/۵۵	تسهیلات قرض‌الحسنه اعطایی نسبت به مانده مؤثر منابع قرض‌الحسنه		
۰/۲۳	نرخ کارمزد واقعی نسبت به نرخ کارمزد دریافتی		
۰/۶	سهم بخش‌های اقتصادی از اعتبارات بانکی نسبت به سهم مطلوب اعتبارات آنان	رشد اقتصادی	

۰/۵۷	سهم مناطق مختلف از اعتبارات بانکی نسبت به سهم مطلوب اعتبارات آنان	
۰/۲۸	میزان اعتبارات بانکی به صنایع نوزاد و ابداعات نسبت به کل اعتبارات اعطایی	استقلال اقتصادی
۰/۱۵	میزان اعتبارات اعطایی به سرمایه‌گذاران خارجی نسبت به کل اعتبارات اعطایی	
۰/۵۸	ارزش تسهیلات تکلیفی تخصیص‌یافته نسبت به ارزش تسهیلات تکلیفی مصوب	مسئولیت اجتماعی
۰/۳	ارزش تأمین مالی‌های فاقد هزینه‌های بیرونی نسبت به ارزش کل تأمین مالی‌ها	
۰/۴۳	نسبت مشتریان راضی از خدمات بانکی به کل مشتریان	تکریم مشتری
۰/۴۴	میانگین دوره انتظار تسهیلات نسبت به میانگین دوره متعارف انتظار	
۰/۲۳	ارزش کل قراردادهای تأمین مالی نسبت به ارزش قراردادهای صوری منتهی به ربا	حذف ربا
۰/۴۲	کل قراردادهای بانکی نسبت به قراردادهای همراه با جهل	فقدان غرر و جهالت
۰/۴	نرخ آگاهی کارکنان و مشتریان بانک از متن و مفاد قراردادهای بانکی	
۰/۶۶	ارزش تأمین مالی عاری از فساد نسبت به ارزش کل تأمین مالی‌ها	فقدان اکل مال به باطل
۰/۳۵	ارزش تسهیلات به‌کاررفته در زمینه قرارداد نسبت به کل تسهیلات	رعایت فقه قرارداد
۰/۷	مانده مطالبات غیر معوق نسبت به مانده کل مطالبات	

منبع: نتایج تحقیق

جدول ۱۳. درصد اهمیت بانک‌های خصوصی نسبت به هریک از زیر معیارهای بانکداری اسلامی

وزن نسبی	زیر معیارهای بانکداری اسلامی	معیار ۱	نوع بانک
۰/۳۴	تسهیلات اعطایی مصرفی به تمام اقشار جامعه نسبت به کل تسهیلات اعطایی	عدالت توزیعی	معیار فقهی
۰/۵۳	تسهیلات غیر رانتهی اعطایی نسبت به کل تسهیلات اعطایی		
۰/۳۱	سراجه تسهیلات مناطق محروم نسبت به سراجه تسهیلات مناطق برخوردار		
۰/۲۱	تسهیلات قرض‌الحسنه اعطایی نسبت به مانده مؤثر منابع قرض‌الحسنه		

۰/۱۶	نرخ کارمزد واقعی نسبت به نرخ کارمزد دریافتی	
۰/۵۸	سهم بخش‌های اقتصادی از اعتبارات بانکی نسبت به سهم مطلوب آنان	رشد اقتصادی
۰/۶	سهم مناطق مختلف از اعتبارات بانکی نسبت به سهم مطلوب اعتبارات آنان	
۰/۱۴	میزان اعتبارات بانکی به صنایع نوزاد و ابداعات نسبت به کل اعتبارات اعطایی	استقلال اقتصادی
۰/۱۷	میزان اعتبارات اعطایی به خارجیان داخل کشور نسبت به کل اعتبارات اعطایی	
۰/۰۷	ارزش تسهیلات تکلیفی تخصیص‌یافته نسبت به ارزش تسهیلات تکلیفی مصوب	مسئولیت اجتماعی
۰/۱۵	ارزش تأمین مالی‌های فاقد هزینه‌های بیرونی نسبت به ارزش کل تأمین مالی‌ها	
۰/۴۰	نسبت مشتریان راضی از خدمات بانکی به کل مشتریان	تکریم مشتری
۰/۴۳	میانگین دوره انتظار تسهیلات نسبت به میانگین دوره متعارف انتظار	
۰/۱۹	ارزش کل قراردادهای تأمین مالی نسبت به ارزش قراردادهای صوری منتهی به ربا	حذف ربا
۰/۴۲	کل قراردادهای بانکی نسبت به قراردادهای همراه با چهل	فقدان غرر و جهالت
۰/۴۸	نرخ آگاهی کارکنان و مشتریان بانکی از مفاهیم و مفاد قراردادهای بانکی	
۰/۶۱	ارزش تأمین مالی عاری از فساد نسبت به ارزش کل تأمین مالی‌ها	فقدان اکل مال به باطل
۰/۳۵	ارزش تسهیلات به‌کاررفته در زمینه قرارداد نسبت به کل تسهیلات	رعایت فقه قرارداد
۰/۶	مانده مطالبات غیر معوق نسبت به مانده کل مطالبات	

منبع: نتایج تحقیق

بر اساس نتایج حاصل از جداول فوق، امتیازات نهایی هریک از بانک‌های دولتی، نیمه‌دولتی و خصوصی در زمینه شاخص‌های بانکداری اسلامی با استفاده از رابطه زیر محاسبه شده است:

$$y_j = \sum_{K=1}^N \sum_{I=1}^M W_K W_I (g_{ij}) \quad (2)$$

y_j = امتیاز نهایی گزینه j ام (بانک‌های دولتی، نیمه‌دولتی و خصوصی).

W_K = ضریب اهمیت معیار k ام بانکداری اسلامی.

W_I = ضریب اهمیت زیرمعیار i ام بانکداری اسلامی.

g_{ij} = امتیاز گزینه j در ارتباط با زیرمعیار i .

از نتایج رابطه (۲)، عملکرد بانک‌های کشور از نظر انطباق عملکرد و فعالیت‌های آنان با معیارهای بانکداری اسلامی، به دست می‌آید که این نتایج در جدول (۱۴) درج شده است.

جدول ۱۴. عملکرد بانک‌های ایران از نظر میزان تحقق بانکداری اسلامی به تفکیک نوع مالکیت

مراتب اهمیت	امتیاز نهایی از ۱۰۰	گزینه
۱	۵۱	بانک‌های دولتی
۲	۴۳	بانک‌های نیمه‌دولتی
۳	۳۷	بانک‌های خصوصی

منبع: نتایج تحقیق

۱۷۶

نتیجه‌گیری

در این پژوهش شاخص‌های بانکداری اسلامی در دو بخش شاخص‌های منطبق با اهداف نظام اقتصاد اسلامی و شاخص‌های منطبق با فقه اقتصاد اسلامی معرفی و بررسی شده‌اند. شاخص‌های منطبق با اهداف نظام اقتصاد اسلامی شامل: عدالت اقتصادی، رشد اقتصادی، استقلال اقتصادی، مسئولیت اجتماعی، تکریم مشتری و شاخص‌های منطبق با فقه اقتصادی اسلام نیز شامل: حذف ربا، فقدان غرر و جهالت، فقدان اکل مال به باطل، رعایت فقه قراردادها بوده‌اند. هر یک از این شاخص‌ها به زیرشاخص‌هایی تقسیم می‌شوند که در این مقاله به‌طور کامل توضیح داده و اندازه‌گیری شده‌اند. با اندازه‌گیری این شاخص‌ها، عملکرد بانک‌های کشور به لحاظ میزان تحقق بانکداری اسلامی، به تفکیک سه گروه بانک‌های دولتی، نیمه‌دولتی و خصوصی، سنجیده و ارزیابی شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد بانک‌های دولتی با امتیاز ۵۱ درصد، بانک‌های نیمه‌دولتی با امتیاز ۴۳ درصد و بانک‌های خصوصی با امتیاز ۳۷ درصد، از منظر شاخص‌های بانکداری اسلامی به ترتیب در رتبه‌های

اول تا سوم قرار دارند که از این لحاظ می‌توان گفت، بانک‌های دولتی شرایط بهتری در مقایسه با دیگر بانک‌های کشور داشته‌اند؛ اما در مجموع این نتایج بیانگر این است که عملکرد نظام بانکی کشور نسبت به شرایط ایدئال بانکداری اسلامی چندان مطلوب و قابل قبول نبوده است. نتایج حاصل از این تحقیق در زمینه میزان تحقق هر کدام یک از معیارهای بانکداری اسلامی به تفکیک گروه‌های بانکی به شرح زیر بوده است:

۱. بانک‌های دولتی کشور در زمینه معیارهای عدالت اقتصادی، رشد اقتصادی، استقلال اقتصادی، مسئولیت اجتماعی، فقدان غرر و جهالت، فقدان اکل مال به باطل، رعایت فقه قراردادها عملکرد متوسط رو به پایینی داشته‌اند که برای تحقق اهداف بانکداری اسلامی نیازمند تلاش در خصوص این معیارها می‌باشند. در خصوص معیار تکریم مشتری دارای عملکرد نسبتاً مناسبی و در زمینه معیار حذف ربا دارای عملکرد ضعیفی بوده‌اند.

۲. بانک‌های نیمه‌دولتی کشور در زمینه معیارهای عدالت اقتصادی، مسئولیت اجتماعی، رشد اقتصادی، تکریم مشتری، فقدان اکل مال به باطل و رعایت فقه قراردادها عملکرد متوسط رو به پایینی داشته‌اند. در مورد معیار فقدان غرر و جهالت عملکرد نامناسب و در مورد معیارهای حذف ربا و استقلال اقتصادی دارای عملکرد ضعیفی بوده‌اند.

۳. بانک‌های خصوصی کشور در زمینه معیارهای عدالت اقتصادی، رشد اقتصادی، فقدان اکل مال به باطل، تکریم مشتری و رعایت فقه قراردادها عملکرد متوسط رو به پایینی داشته‌اند. در مورد معیارهای مسئولیت اجتماعی، استقلال اقتصادی و حذف ربا عملکردی ضعیف و در خصوص معیار فقدان غرر و جهالت عملکرد نامناسبی را داشته‌اند.

در پایان باید به این نکته اشاره کرد که در این پژوهش عملکرد بانک‌ها به لحاظ شاخص‌های بانکداری اسلامی به صورت کلی و به تفکیک سه گروه بانکی در ایران، اندازه‌گیری و بررسی شده و به‌طور یقین، این بیانگر عملکرد تک‌تک بانک‌ها در هر یک از گروه‌های مذکور نیست؛ این در حالی است که عملکرد هر یک از آنان به لحاظ تلاش در جهت ارتقای شاخص‌های بانکداری اسلامی می‌تواند متفاوت از یکدیگر باشد و بررسی این موضوع برای هر یک از بانک‌ها باید در قالب پژوهشی مجزا و مستقل انجام شود.

بررسی موانع و راهکارهای بهبود شاخص‌های بانکداری اسلامی

در بخش‌های قبل با معرفی شاخص‌های ارزیابی بانکداری اسلامی و بررسی عملکرد نظام بانکی ایران در پیاده‌سازی آنان، این نتیجه حاصل شد که از منظر شاخص‌های مذکور، عملکرد نظام بانکی کشور نسبت به شرایط ایدئال بانکداری اسلامی چندان قابل قبول نیست. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که دلایل این مسئله چیست و اینکه برای تقویت شاخص‌های بانکداری اسلامی چه راهکارهایی را می‌توان پیشنهاد کرد؟

برای پاسخگویی به این سؤال ابتدا باید به این نکته اشاره کرد که به‌طور کلی برای تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری توسط بانک‌ها دو روش وجود دارد. روش اول از طریق فرآیند اعطای وام و دریافت بهره ثابت و روش دوم از طریق فرآیند مشارکت در پروژه و دریافت بخشی از سود احتمالی آن. روش اول عمدتاً از سوی نظام رایج بانکداری ربوی دنبال می‌شود؛ اما در نظام بانکداری اسلامی که قرض ربوی در آن ممنوع است، تأکید بر روش دوم (روش مشارکتی) است. اندیشمندان اقتصاد اسلامی معتقدند که شیوه تأمین مالی مبتنی بر مشارکت در سود و زیان از دیدگاه کاهش هزینه‌ها، افزایش ثروت، کنترل ادوار تجاری، کنترل ریسک و پیشگیری از ورشکستگی بانک‌ها از کارایی بالاتری برخوردار است؛ اما در عین حال عنوان می‌کنند که این امتیاز روش تأمین مالی، زمانی تحقق می‌یابد که اولاً، پدیده عدم تقارن اطلاعاتی و دو خطر ناشی از آن یعنی انتخاب بد و مخاطرات اخلاقی در جامعه جدی نباشد و ثانیاً، فضای اقتصادی در شرایط بی‌ثباتی و عدم اطمینان قرار نداشته باشد (حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۸۷).

روش اول تأمین مالی که در نظام بانکداری ربوی دنبال می‌شود، بر پایه جلوگیری از خطرات ناشی از پدیده عدم تقارن قرار دارد؛ اما در روش دوم تأمین مالی (مشارکتی) که عمدتاً در نظام بانکداری اسلامی استفاده می‌شود، خطرات ناشی از پدیده مذکور بیشتر وجود دارد. پدیده انتخاب بد در صنعت بانکداری این‌گونه است که متقاضیان دریافت وام برای انجام سرمایه‌گذاری که پروژه آنان از ریسک بیشتری برخوردار بوده و احتمال زیان آنان بالاتر می‌باشد، تمایل به جلب مشارکت بانک در امر سرمایه‌گذاری خود و استفاده از روش مشارکتی دارند؛ در مقابل، متقاضیانی که پروژه آنان ریسک کمتر و سود مورد انتظار

بالا تری دارد، بیشتر خواهان دریافت وام و پرداخت بهره ثابت و از پیش تعیین شده، می‌باشند. مخاطره اخلاقی نیز بدین معنی است که وام‌گیرنده در روش مشارکتی تلاش لازم را برای سودآوری پروژه نداشته و به منظور کاهش سهم بانک از سود، در ارائه اسناد و مدارک و همچنین دادن اطلاعات لازم از وضعیت پروژه، صداقت لازم را ندارد و لذا بانک را در تسهیلات مشارکتی با مشکل روبرو می‌سازد. این مسئله سبب شده که در نظام بانکداری اسلامی مدیران بانکی با استناد به فقه اسلامی، از روش‌های دیگری برای تأمین مالی استفاده کنند که آنان را از درگیر شدن با خطر ناشی از انتخاب بد و مخاطرات اخلاقی محفوظ نگه دارد و دریافت بهره ثابت که در نظام بانکداری اسلامی در تئوری ممنوع است، در عمل یک امر معمول باشد و در نتیجه اجرای نظام بانکداری اسلامی و عملکرد آن ضعیف بوده و قابل توجه نباشد. راهکارهایی را که می‌توان برای مقابله با این دو پدیده ارائه داد، به سه طریق زیر است:

۱۷۹

۱. تقویت شاخص‌های اخلاقی شامل روحیه امانت‌داری و صداقت در جامعه از طریق تقویت نهادهای غیر رسمی مانند اخلاق و دینداری و ارتقای ارزش‌های دینی.
۲. تقویت نهادهای رسمی در جامعه که منجر به افزایش شفافیت شده و هزینه عدم صداقت و خیانت در امانت را بالا می‌برد؛ همچنین ارتقای نظام ثبت اسناد و مدارک، تسهیل و روان‌سازی سیستم قضایی و تدوین قوانین کارا و نظارت بر اجرای دقیق آنان و بهبود استانداردهای حسابداری و حسابرسی از دستاوردهای تقویت نهادهای رسمی هستند.
۳. ارتقای سیستم‌های مدیریتی، کارشناسی و نظارتی در بانک‌ها بایستی بازنگری شده و کارآمدی آنان افزایش یابد و نظام سنجش، پایش و کنترل انواع ریسک اجرا شود.
۴. رویکرد تطبیقی نظر به تصرف در روبنا و عملکرد نظریات دارد و مشخصه آن، جداسازی نظام اقتصادی از نظام سیاسی و فرهنگی و نادیده گرفتن ارتباط متقابل آنهاست؛ اما رویکرد مبنایی نظر به تصرف در مبنای نظریات اقتصادی غرب دارد تا بدین ترتیب، دلالت تئوری‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی مبتنی بر آنان در هماهنگی کامل با وجوه فرهنگی و سیاسی در نظام اسلامی قرار گیرد (همان، ص ۳۹)، در این رویکرد بین نظام اقتصادی و نظام‌های فرهنگی و سیاسی پیوند مبنایی وجود دارد و اهداف آنها با یکدیگر

همسو و هماهنگ می‌باشند.

بر اساس آنچه که بیان شد، نوعاً نظام بانکی کشور با رویکرد تطبیقی، اسلامی شده است. در این شرایط نمی‌توان انتظار داشت که از مبنای غیر اسلامی، ثمرات اسلامی حاصل شود. تنها دستاوردی که می‌توان در رویکرد تطبیقی به بومی‌سازی شبکه بانکی انتظار داشت، مطابقت عملیات بانکی با اصطلاحات فقهی در ابواب عقودي مانند اجاره، مضاربه و نظایر آن و به‌طور خلاصه تصرفات روبنایی در عملکردهاست. تداوم این وضعیت مانع از استقرار کامل و ایدئال بانکداری اسلامی می‌شود و دستیابی به این هدف مستلزم این است که باید نسبت به بومی‌سازی شبکه بانکی کشور از دیدگاه اسلامی، رویکردی مبنایی داشت.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی، محمدحسین؛ قرض الحسنه و ربا از دیدگاه حضرت امام علیه السلام؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۷.
۲. احمدی، علی محمد و اسماعیل صفرزاده؛ پول، ارز و بانکداری؛ همدان: انتشارات نور علم، ۱۳۸۸.
۳. اسماعیلی، اسماعیل؛ «اکل مال به باطل در بینش فقهی شیخ انصاری» مجله فقه؛ ش ۱، ۱۳۷۳.
۴. برنا، علی محمد؛ غرر در فقه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۶۹.
۵. حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین؛ بانکداری اسلامی: مانع یا زمینه‌ساز توسعه؛ مشهد: همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، ۱۳۸۷.
۶. درخشان، مسعود؛ «بومی‌سازی اقتصادی اقتصاد اسلامی: ملاحظاتی در رویکردهای تطبیقی و مبنایی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران؛ س ۱۷، ش ۵۲، ۱۳۹۱.
۷. رفیعی، محمدتقی؛ غرر در معامله؛ قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.

۸. سایه میری، علی، سمیرا عسکرآبادی و آسیه داب؛ «بررسی تحلیلی بر ثبات اقتصادی در بانکداری بدون ربا»، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی؛ ش ۶ و ۷، ۱۳۹۳.
۹. سید نورانی، محمدرضا و همکاران؛ «طراحی شاخص ترکیبی بانکداری اسلامی در ایران»، فصلنامه اقتصاد اسلامی؛ س ۱۷، ش ۶۸، ۱۳۹۶.
۱۰. صالح‌آبادی، علی و مهدی نجفی؛ «اصول و مبانی بازارهای مالی اسلامی و درس‌هایی برای ایران»، بازارهای مالی اسلامی: مجموعه مقالات؛ تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۴.
۱۱. صدر، محمدباقر؛ بانک بدون ربا در اسلام؛ ترجمه سیدیحیی علوی؛ تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۸.
۱۲. عبدی ساوجیان، بیژن؛ بررسی سیستم بانکداری اسلامی و نقش پول در آن با توجه به ماهیت پول، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد؛ تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۶۹.
۱۳. عیوضلو، حسین و مجیدکریمی ریزی؛ «شناسایی و اندازه‌گیری شاخص عدالت و کارایی در نظام بانکی بانک توسعه صادرات ایران، استان اصفهان»، دو فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی؛ س ۸، ش ۱، ۱۳۹۴.
۱۴. کزج نادری، محمود و حسین صادقی؛ «بررسی کارایی بانکداری بدون ربا در کشورهای مختلف و مقایسه بانک‌های ربوی در جهان با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی؛ ش ۹ و ۱۰، ۱۳۸۲.
۱۵. مجتهد، احمد و علی حسن‌زاده؛ پول و بانکداری و نهادهای مالی؛ تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴.
۱۶. محقق، محمدجواد؛ «درآمدی بر تدوین شاخص ربا در بانکداری اسلامی»، مجله معرفت اقتصادی؛ س ۲، ش ۲، ۱۳۹۰.
۱۷. مطهری، مرتضی؛ جهان‌بینی توحیدی؛ قم: انتشارات صدرا، ۱۳۶۹.
۱۸. موسویان، سیدعباس؛ «الگوی تازه برخاسته از قانون کهنه»، مجله بانک و اقتصاد؛ ش ۸۰، ۱۳۸۶.

۱۹. _____؛ شاخص‌های ارزیابی بانکداری اسلامی؛ چ ۱، تهران: انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۹۲.

۲۰. موسویان، سیدعباس و میمنت ابراهیمی؛ «شاخص‌های ارزیابی بانکداری اسلامی»، تهران: نخستین کنفرانس توسعه مدیریت پولی و بانکی: مجموعه مقالات، ۱۳۹۲.

۲۱. نبی، منوچهر و همکاران؛ «مطالعه تطبیقی بانکداری اسلامی و متعارف در ایران و مالزی با رویکرد سودآوری»، تهران: دومین کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام تأمین مالی در ایران؛ ۱۳۸۸.

۲۲. هاشمی، سید محمود؛ «بانکداری اسلامی»، مجله تحقیقات اسلامی؛ س ۱۲، ش ۱ و ۲، ۱۳۷۶.

۲۳. یادی‌پور، داود؛ «کفایت سرمایه در بانکداری اسلامی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی؛ س ۸، ش ۲۹، ۱۳۸۷.

24. Antonio, M.S., etal; An Analysis of Islamic Banking Performance: Maqashid Index Implementation in Indonesia and Jordania , **Journal of Islamic Finance**; Vol. 1, No.1, 2012.

25. Creswell, J.W; **Educational Research: Planning, Conducting and Evaluating Quantitative and Qualitative Research**; 2nd Edition, Boston, Upper Saddle River, NJ: Pearson Merrill Prentice Hall, 2005.

26. Mohammad Omar, Alzghoul; **Performance Analysis of Conventional Banks Vs. Islamic Banks in Jordan**; Eastern Mediterranean University, February, 2015.

27. Turk ariss, Rima; Competitive conditions in Islamic and Conventional Banking: A global perspective”; **Review of Financial Economics**, vol. 19, No. 3, 2010.